پژوهشنامه فقه اجتماعی

Journal of
Social Jurisprudence Research

The Non-Conditionality of the Balance of Power in the Legitimacy of Preemptive Defense in Security Jurisprudence

Mohammad Javad Mohammadi / Yasin Pourali*

Stable URL: https://doi.org/10.30497/sj.2026.250600.1585

عدم شرطیت موازنه قوا در مشروعیت دفاع پیش‌دستانه در فقه امنیت

محمدجواد محمدی / یاسین پورعلی*

پیوند دائمی: https://doi.org/10.30497/sj.2026.250600.1585

Copyright 2025 The Author(s)
Published by Imam Sadiq University , Tehran, Iran
This work is fully Open Access under theCreative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowingnon-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, providedthe original work is properly cited and not modified Social Jurisprudence research strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE) which all readers,authorsreviewers, and editors are expected to observe and uphold

Print ISSN 2981-0019 Online ISSN 2981-0027

Research Letter of Social Jurisprudence
Vol. 13 | Isuue 2 | Serial 26 | Spring & Summer 2025 | Pages 688-712
Research Article | Recived: 2026/06/22 | Accepted: 2026/09/02
10.30497/sj.2026.250600.1585

The Non-Conditionality of the Balance of Power in the Legitimacy of Preemptive Defense in Security Jurisprudence

Mohammad Javad Mohammadi: Assistant Professor, Department of Iranian Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.
mjmohammadi@ut.ac.ir
Yasin Pourali: Researcher, National Security Research Institute, National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
pourali.y@gmail.com

Abstract

1. Introduction and Objective

The legitimacy of preemptive defense in the absence of a balance of power constitutes a fundamental challenge in security jurisprudence. The enemy's military superiority often gives rise to the concern that such action may amount to self-endangerment. This study seeks to answer whether, under conditions of power asymmetry, preemptive defense is jurisprudentially legitimate or constitutes an instance of self-destruction.

2. Methods and Materials

This study employs a descriptive–analytical method based on library research. Through an examination of jurisprudential evidence and an analysis of the Prophet's conduct, it elucidates the relationship between the components of the balance of power and the legitimacy of defensive jihad.

3. Research Findings

The findings indicate that the absence of a balance of power does not, in itself, preclude the legitimacy of defense. Material inequality alone does not constitute self-endangerment, since such endangerment arises only where an action lacks any rational basis and leads to certain destruction. Defense undertaken to repel a real threat and safeguard the Islamic community remains religiously legitimate, even in the presence of an imbalance of power.

4. Discussion and Conclusion

The legitimacy of preemptive defense rests not on the requirement of a balance of power, but on the establishment of a credible threat and the jurisprudential evidence supporting the repulsion of an aggressor. By redefining the jurisprudential foundations in the age of emerging threats, including cyber and long-range threats, this study presents asymmetric defense as a rational and legitimate model for safeguarding the existence of the Islamic community.

Keywords: Balance of Power; Security Jurisprudence; Defensive Jihad; Preemptive Defense; Self-Endangerment; Repulsion of an Aggressor.

سال سیزدهم | شماره دوم | پیاپی ۲۶ | بهار و تابستان ۱۴۰۴ | صفحات ۶۸۸-۷۱۲
مقاله پژوهشی | تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۳۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱

عدم شرطیت موازنه قوا در مشروعیت دفاع پیش‌دستانه در فقه امنیت

محمدجواد محمدی: استادیار، گروه مطالعات ایران، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران. mjmohammadi@ut.ac.ir

یاسین پورعلی: پژوهشگر پژوهشکده امنیت ملی، دانشگاه دفاع ملی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). pourali.y@gmail.com

چکیده

۱. مقدمه و هدف

مشروعیت دفاع پیش‌دستانه در شرایط فقدان موازنه قوا از چالش‌های بنیادین «فقه امنیت» است. برتری نظامی دشمن غالباً شائبه القای نفس در تهلکه را ایجاد می‌کند. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که آیا در شرایط نابرابری قدرت، دفاع پیش‌دستانه از نظر فقهی مشروع است یا مصداق تهلکه محسوب می‌شود؟

۲. مواد و روش‌ها

این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. در این راستا، با واکاوی ادله فقهی و تحلیل سیره نبوی، نسبت میان مؤلفه‌های موازنه قدرت و مشروعیت جهاد دفاعی تبیین گردیده است.

۳. یافته‌های تحقیق

یافته‌ها نشان می‌دهد که فقدان موازنه قوا به خودی‌خود مانع مشروعیت دفاع نیست. نابرابری مادی به‌تنهایی «القای نفس در تهلکه» محسوب نمی‌شود؛ چراکه تهلکه صرفاً زمانی صادق است که اقدام، فاقد هرگونه وجه عقلایی و منتهی به نابودی قطعی باشد. دفاع برای دفع تهدید واقعی و صیانت از جامعه اسلامی، حتی با وجود نابرابری قوا، واجد وجاهت شرعی است.

٤. نتیجه‌گیری

نتیجه آنکه مشروعیت دفاع پیش‌دستانه، نه بر اشتراط موازنه قوا، بلکه بر احراز تهدید معتبر و ادله دفع صائل استوار است. این پژوهش ضمن باز تعریف مبانی فقهی در عصر تهدیدات نوین (سایبری و دورایستا)، دفاع نامتقارن را مدلی عقلایی و مشروع برای صیانت از موجودیت جامعه اسلامی معرفی می‌کند.

واژگان کلیدی: موازنه قوا؛ فقه امنیت؛ جهاد دفاعی؛ دفاع پیش‌دستانه؛ تهلکه؛ دفع صائل.

مقدمه

دفاع در فقه اسلامی، به‌ویژه در قلمرو جهاد دفاعی، ناظر به دفع تجاوز و صیانت از دین، جان، سرزمین و امنیت عمومی است و از مهم‌ترین کارکردهای شریعت در حفظ جامعه و جلوگیری از سلطه و استیلای دشمن به شمار می‌آید (نجفی، ۱۳٦۲، ج۲۱، ص. ١٤). با تحول ماهیت تهدیدات در جهان معاصر از جنگ‌های کلاسیک به تهدیدات پیشینی، شبکه‌ای و دورایستا (آذرپی، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۹)، مانند حملات موشکی، عملیات تروریستی سازمان‌یافته و حملات سایبری، الگوی تحقق خطر نیز دگرگون شده است (پورشاسب و طالبیان، ۱۳۹٦، ص. ۵۷)، به‌گونه‌ای که در بسیاری از موارد، اگر واکنش دفاعی به زمان وقوع حمله بالفعل موکول شود، فرصت دفع مؤثر از دست می‌رود و خسارت‌ها به سطحی می‌رسد که جبران آن ممکن نیست. در چنین بستری، دفاع پیش‌دستانه به‌عنوان اقدام دفاعی پیش از وقوع تجاوز بالفعل، در فرض وجود قرائن معتبر بر تهدید قریب‌الوقوع، به مسئله‌ای تعیین‌کننده در فقه امنیت تبدیل شده است (ابراهیم‌زاده و ملکی‌زاده، ١٤٠٠، ص. ۸۵). با وجود این، یکی از چالش‌های جدّی در تحلیل فقهی دفاع پیش‌دستانه آن است که آیا در فرض فقدان موازنه قوا و برتری محسوس دشمن، چنین اقدامی از مصادیق القاء نفس در تهلکه به شمار می‌رود و در نتیجه فاقد مشروعیت است (حلی، ١٤١٣ق، ج۱، ص. ٤٨٩)، یا آنکه عدم توازن قدرت، به‌خودی خود مانع مشروعیت دفاع نبوده و صرفاً در کیفیت، سطح و شیوه دفاع اثر می‌گذارد. اهمیت این پرسش از آن جهت افزون می‌شود که تهلکه، عنوانی است که با بی‌وجه بودن عقلایی اقدام و انجام عملی که عرفاً به نابودی غالبی یا قطعی می‌انجامد، گره خورده است (مکارم‌شیرازی، ١٣٧٤، ج۷، ص. ۲۳۹)؛ حال آنکه دفاع پیش‌دستانه در فرض احراز تهدید واقعی و نزدیک[۶] می‌تواند دقیقاً برای جلوگیری از نابودی، کاهش خسارت، دفع سلطه دشمن و حفظ موجودیت جامعه اسلامی صورت گیرد و از این رو، در بسیاری از فروض نه‌تنها تهلکه محسوب نمی‌شود، بلکه در منطق فقهی دفاع و دفع صائل قابل تبیین است.

این پژوهش بر آن است که در فقه امنیت، فقدان موازنه قوا به‌خودی خود موجب سقوط مشروعیت دفاع پیش‌دستانه نیست و برتری دشمن، ملاک تامّ برای صدق عنوان

تهلکه به شمار نمی‌آید. بلکه ملاک، احراز تهدید قریب‌الوقوع بر پایه قرائن معتبر و وجود وجه عقلایی در دفع خطر است، به‌گونه‌ای که هرجا اقدام دفاعی بتواند تهدید را دفع کند، از تحقق تجاوز جلوگیری نماید، هزینه دشمن را افزایش دهد یا دست‌کم خسارت را به نحو معنادار کاهش دهد، عنوان تهلکه بر آن صادق نخواهد بود. بر همین اساس، ادله و قواعد فقهی حاکم بر باب دفاع، از جمله آیات و روایات ناظر به دفع تجاوز، قاعده دفع ضرر و دفع صائل و مبانی مرتبط با حفظ کیان جامعه اسلامی، در مجموع بر جواز و در مواردی وجوب اقدام دفاعی در برابر خطر معتبر دلالت دارند، هرچند دشمن از حیث توان ظاهری برتر باشد.

روش تحقیق در این مقاله توصیفی ـ تحلیلی و مبتنی بر شیوه اجتهادی است. بدین ترتیب که پس از تنقیح مفاهیم کلیدی و تحدید دقیق محل نزاع، ادله قرآنی، روایی و قواعد فقهی مرتبط گردآوری و تحلیل می‌شود تا روشن گردد دفاع پیش‌دستانه در فرض تهدید قریب‌الوقوع، چه نسبتی با عنوان تهلکه دارد و آیا موازنه قوا شرط مشروعیت آن است یا خیر؟

۱. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش را می‌توان در چند بخش دسته‌بندی کرد.

۱-۱. مبانی فقهی دفاع و امنیت ملی در اسلام

در این بخش، پژوهشگران به بررسی اصول بنیادینی می‌پردازند که اقدام دفاعی را نه‌تنها مجاز، بلکه واجب می‌سازد. نظری‌پور (۱٤۰٤) در مقاله «سنجش فقهی مشروعیت دفاع پیش‌دستانه»، تبیین می‌کند که جهاد دفاعی یک واجب عینی و فوری است که حتی به اذن خاص امام معصوم نیاز ندارد. وی تأکید دارد که این دفاع برای صیانت از شریعت و جلوگیری از نابودی جامعه اسلامی در برابر هرگونه تهدید براندازانه است. هوشیاری و رضائی (۱٤۰۵) در پژوهش «مفهوم و جایگاه امنیت ملی در فقه سیاسی اسلام»، اصول حفظ نظام، نفی سبیل و دفع صائل را چارچوب‌های اصلی اقدام دفاعی معرفی می‌کنند. آن‌ها معتقدند فقه سیاسی اسلام در شرایط تهدید جدی، زمینه همگرایی با حقوق بین‌الملل برای تبیین دفاع پیش‌دستانه را دارد. قاسمی‌بیورزنی و همکاران

(۱٤۰۲) در مقاله «توسل به زور به منظور دفاع از خود در اسلام»، بیان می‌کنند که دفاع برای دفع ضرر یک ضرورت عقلی و شرعی است و در صورت وجود حکومت مقتدر، تشخیص رهبری عادل ملاک عمل در مدیریت ریسک دفاعی است.

۱-۲. مشروعیت دفاع پیش‌دستانه در مواجهه با تهدیدات الوقوع

این دسته از منابع بر ضرورت اقدام پیش از وقوع حمله بالفعل در صورت احراز خطر قریب‌الوقوع تمرکز دارند. حقیقت‌پور (۱۳۹۹) در تحقیق «دفاع مشروع بازدارنده از منظر حقوق بین‌الملل و اسلام»، با تحلیل سیره معصومان (ع) نشان می‌دهد که پیش‌دستی در مواردی که دلیلی بر شروع اقدام مسلحانه توسط دشمن وجود دارد، مورد تأیید است. وی معتقد است در صورت وجود مصلحت قطعی، حاکم اسلامی می‌تواند برای جلوگیری از خسارت جبران‌ناپذیر، ضربه نخست را وارد کند. قائم‌پناه (۱۳۹۲) در پژوهش «بررسی تطبیقی مفهوم جنگ پیش‌دستانه»، ضمن تفکیک دفاع پیش‌دستانه از جهاد ابتدایی، بر این نکته تأکید دارد که دفاع مشروع مورد پذیرش اسلام با دفاع مشروع رایج در ادبیات غربی تفاوت‌هایی دارد، اما در اصل صیانت از موجودیت، همسو هستند. آبدناذر (Abdennadher) (۲۰۲٤) در پایان‌نامه «مشروعیت دفاع پیش‌دستانه تحت حقوق بین‌الملل»، به چالش‌های تفسیر ماده ۵۱ منشور ملل متحد می‌پردازد و بیان می‌کند که مکتب توسعه‌گرا معتقد است انتظار برای وقوع حمله در عصر سلاح‌های نوین، با فلسفه حفظ صلح در تضاد است.

۱-۳. موازنه قوا، بازدارندگی و مدیریت تهدید

در این بخش، نسبت بین قدرت مادی و مشروعیت اقدام دفاعی بررسی می‌شود که مستقیماً با بحث عدم شرطیت موازنه قوا مرتبط است. بار (Bar) (۲۰۱۲) در گزارش «مفهوم بازدارندگی در اندیشه عربی و اسلامی»، مفهوم ردع را فراتر از مفاهیم غربی می‌داند و معتقد است در اندیشه اسلامی، بازدارندگی پیش‌دستانه برای القای رعب در دل دشمن و تضعیف اراده او، حتی در صورت نابرابری قوای مادی، یک استراتژی کلیدی است. نادری (۲۰۲٦) در مقاله «سلاح‌های توجیه قانونی: بهانه دفاع پیشگیرانه از خود در حملات اسرائیل علیه ایران»، استدلال می‌کند که اقدامات دفاعی باید با

معیارهای ضرورت و تناسب سنجیده شوند. وی اشاره دارد که در محاسبات راهبردی، نباید اجازه داد تهدیدات سهمگین به مرحله‌ای برسند که دیگر امکان دفاع وجود نداشته باشد. کنفرانس مطالعات ایرانی (۲۰۲۵) در گزارش «ایران و چشم‌انداز استراتژیک در حال تغییر»، به فروپاشی مدل‌های سنتی دفاع رو به جلو اشاره کرده و ضرورت بازنگری در دکترین‌های امنیتی را در مواجهه با فناوری‌های نوین و تغییر موازنه قدرت در منطقه تبیین می‌کند.

۱-٤. چالش‌های حقوقی بین‌المللی و دکترین‌های معاصر

این منابع به نقد و بررسی رفتارهای دولت‌ها در استفاده از عنوان دفاع پیش‌دستانه می‌پردازند. آمادی (Amadi) (۲۰۲۳) در مقاله «مداخله یک‌جانبه و حقوق دفاع از خود»، دکترین بوش را تحلیل کرده و بیان می‌کند که در جهان امروز، «هرچه تهدید بزرگتر باشد، ریسک انفعال بیشتر است». این دیدگاه مؤید این است که انتظار برای توازن قدرت مادی نباید مانع از اقدام حفاظتی شود. حمید (۲۰۰۹) در پژوهش «حقوق بین‌الملل اسلامی و حق دفاع از خود»، با بازگشت به ریشه‌های قرآنی استدلال می‌کند که ماهیت جهاد صرفاً دفاعی است و هدف آن برقراری عدالت و آزادی است، نه صرفاً برتری‌جویی مادی. ریگستاد (Rigstad) (۲۰۱۵) در نقد کتاب «اخلاق جنگ پیشگیرانه»، تفاوت‌های ظریف بین دفاع پیش‌دستانه و پیشگیرانه را بر اساس معیار کارولین بررسی کرده و بر لزوم وجود شواهد متقن برای مشروعیت اقدام تأکید دارد.

نوآوری اصلی این پژوهش، نقد دیدگاه سنتی است که موازنه قوا را شرط ضروری برای مشروعیت دفاع پیش‌دستانه می‌داند. این مقاله اثبات می‌کند که برای دفاع مشروع، نیازی به برابری نظامی با دشمن نیست و آنچه اقدام دفاعی را موجه می‌سازد، احراز واقعی تهدید است، نه برابری در توان مادی. پژوهش حاضر با ارائه الگوی «دفاع نامتقارن»، نشان می‌دهد که حتی در شرایط نابرابری قوا، جامعه اسلامی حق دارد برای پیشگیری از خطر، دست به اقدام بزند. این اثر بدین‌سان، با باز تعریف نسبت میان قدرت نظامی و بازدارندگی، چارچوبی تازه برای تبیین جایگاه فقهی دفاع در شرایط نابرابر ارائه می‌دهد.

۲. اهمیت موضوع

بحث از مشروعیت دفاع پیش‌دستانه در فرض عدم موازنه قوا، از جمله مباحث مهم و روزآمد در فقه سیاسی و فقه دفاعی اسلام است؛ زیرا در جهان معاصر، تهدیدهای نظامی و امنیتی غالباً در شرایطی شکل می‌گیرند که میان طرفین، برابری کامل قدرت وجود ندارد و یکی از دو طرف از حیث تجهیزات، فناوری، توان اطلاعاتی و ظرفیت عملیاتی در موقعیت برتر قرار دارد. در چنین فضایی، این پرسش اهمیت ویژه‌ای می‌یابد که آیا صرف برتری قدرت دشمن می‌تواند مانع از هرگونه اقدام بازدارنده یا دفاعی شود، یا آنکه در منطق فقه اسلامی، ملاک اصلی، دفع تهدید واقعی و حفظ امنیت و موجودیت جامعه اسلامی است، هرچند توازن قوا برقرار نباشد.

اهمیت این مسئله از آن‌رو دوچندان است که در فضای فکری و تحلیلی امروز، گاه چنین اشکالی مطرح می‌شود که کشوری مانند ایران، به دلیل فاصله آشکار در سطح قدرت نظامی و اقتصادی، نباید وارد هیچ‌گونه تقابل با قدرت‌هایی چون آمریکا شود و باید در همه حال، از هر اقدامی که احتمال درگیری را افزایش می‌دهد، پرهیز کند. طرح این اشکال، در واقع ناظر به این پیش‌فرض است که عدم موازنه قوا، به‌خودی خود مشروعیت هرگونه اقدام دفاعی فعال یا پیش‌دستانه را از میان می‌برد. از این رو، بررسی این مسئله از منظر فقه اسلامی اهمیت می‌یابد تا روشن شود آیا در اندیشه اسلامی، صرف نابرابری قدرت، مجوز انفعال و ترک دفاع است، یا آنکه در صورت وجود تهدید جدی و قریب‌الوقوع، اقدام دفاعی متناسب در شرایط عدم توازن، می‌تواند مشروع و بلکه ضروری تلقی شود. افزون بر این، پرداختن به این موضوع می‌تواند به تبیین دقیق‌تر مرز میان «دفاع پیش‌دستانه» و «تهاجم ابتدایی» کمک کند؛ زیرا یکی از نگرانی‌های اساسی در این حوزه، خلط میان اقدام پیشگیرانه مشروع با رفتارهای توسعه‌طلبانه و جنگ‌افروزانه است. از این جهت، پژوهش در مبانی فقهی این مسئله نه‌تنها دارای ارزش نظری است، بلکه از حیث کاربردی نیز در تحلیل مسائل راهبردی و امنیتی جهان اسلام، به‌ویژه در مواجهه با تهدیدهای نوین، جایگاهی مهم و تعیین‌کننده دارد.

۳. صورت‌بندی مسئله: چرایی تمرکز بر دفاع پیش‌دستانه در فرض فقدان موازنه قوا

در این مقاله به‌صورت خاص بحث «موازنه قوا در دفاع پیش‌دستانه» محور قرار می‌گیرد؛ زیرا محلّ نزاع فقهی پژوهش، نه اصل مشروعیت دفاع در فقه اسلامی، بلکه بررسی مشروعیت اقدام دفاعی پیش از وقوع حمله بالفعل در فرض وجود قرائن معتبر بر تهدید قریب‌الوقوع و نیز نسبت آن با فقدان موازنه قواست. از منظر فقهی، جهاد در تقسیم‌بندی کلان یا دفاعی است یا ابتدایی (حلی، ۱٤۱۹ق، ج۹، ص. ۱۹). در جهاد دفاعی، معیار، دفع تجاوز و صیانت از دین، جان، سرزمین و امنیت عمومی است و عدم اشتراط موازنه قوا در اصل دفاع از مسلمات فقهی به‌شمار می‌آید؛ به‌گونه‌ای که در صورت تحقق هجوم یا خوف عقلایی از آن، دفاع تا حدّ توان می‌تواند به وجوب عینی برسد و حتی گروه‌هایی که در حالت عادی اهل قتال نیستند مانند زن و پیر نیز در حد استطاعت، مکلف به مشارکت در دفع صائل تلقی می‌شوند (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ج۱، ص٦٥۰). بنابراین، بحث از اینکه آیا نبود توازن قدرت اصل دفاع را از مشروعیت خارج می‌کند یا خیر در دفاع متعارف، مسئله اصلی و چالشی این پژوهش نیست.

از سوی دیگر، جهاد ابتدایی حتی بر فرض پذیرش قلمرو آن در عصر غیبت (شهیدثانی، بی‌تا، ج۳، ص. ۹؛ خوئی، بی‌تا، ج۱، ص. ۳٦٤)، به‌طور طبیعی مبتنی بر فرض توان و امکان تحقق خارجی و تدبیر عقلایی است و موازنه حداقل قدرت در آن مفروغٌ‌عنه تلقی می‌شود؛ زیرا اقدام آغازگرانه‌ای که فاقد توان و قدرت لازم باشد، عرفاً و عقلاً موضوعیت پیدا نمی‌کند و اساساً اقدام به حمله در چنین وضعی رخ نمی‌دهد تا بحث از مشروعیت آن در فرض عدم موازنه قوا به نحو جدّی شکل گیرد. در نتیجه، نه جهاد دفاعی متعارف و نه جهاد ابتدایی، به‌تنهایی محل دقیق پرسش حاضر را روشن نمی‌کنند.

آنچه امروز به‌طور خاص محل ابتلا و نیازمند تنقیح فقهی است، «دفاع پیش‌دستانه» در بستر تهدیدات نوپدید روابط بین‌الملل است؛ تهدیداتی که غالباً پیشینی، شبکه‌ای، سریع‌الوقوع و مبتنی بر ابزارهای دورایستا مانند حملات موشکی، عملیات تروریستی سازمان‌یافته و حملات سایبری‌اند. در این شرایط، گاه تعویق دفاع تا زمان وقوع تجاوز بالفعل، عملاً امکان دفاع مؤثر را از میان می‌برد و امنیت و موجودیت جامعه را در معرض خطر جدّی قرار می‌دهد. از این رو، دفاع پیش‌دستانه به‌مثابه وضعیت میانی میان

دفاع پسینی قطعی و اقدام ابتدایی، دقیقاً همان نقطه‌ای است که مسئله «تهلکه» و «نقش یا عدم نقش موازنه قوا» را به‌صورت واقعی و مناقشه‌برانگیز مطرح می‌کند. بر همین اساس، تمرکز مقاله بر دفاع پیش‌دستانه برای تحدید دقیق محل نزاع است تا روشن شود آیا در فرض احراز تهدید معتبر و قریب‌الوقوع، اقدام دفاعی پیش از حمله بالفعل با وجود برتری محسوس دشمن، مصداق القای نفس در تهلکه است و مشروعیت را زائل می‌کند یا آنکه ملاک، وجود وجه عقلایی در دفع خطر و ادله شرعی ناظر به دفع صائل است، نه تحقق موازنه قوا.

٤. مفهوم شناسی پژوهش

٤-١. فقه امنیت

فقه امنیت حصّه‌ای از فقه است که به استنباط و تبیین احکام شرعی رفتارهای اختیاری مکلفان در قلمرو تأمین، حفظ و ارتقای امنیت و نیز پیشگیری، مهار و دفع تهدید می‌پردازد (علیدوست، ١٣٩٤، ص. ٥). مبنای این نام‌گذاری آن است که موضوع فقه، فعل مکلف است (عاملی، بی‌تا، ج١، ص. ٩٤)؛ یعنی فقه در پی تعیین حکم شرعی انجام دادن یا ترک کردن افعال انسان است. از سوی دیگر، امنیت در واقعیت اجتماعی امری منفک از رفتار انسان نیست، بلکه یا مستقیماً خود امنیت‌سازی و امنیت‌زدایی «فعل» است، مانند دفاع، مراقبت، رصد، حفظ مرزها، مقابله با خرابکاری و ترور، یا دست‌کم امنیت، متعلَّق و نتیجه افعال مکلفان در سطح فردی و اجتماعی است؛ بنابراین، بحث از امنیت، به دلیل اتصال ماهوی‌اش به افعال اختیاری، داخل در شمول فقه قرار می‌گیرد. بر همین اساس، فقه امنیت نه به معنای تولید فقهی جدا از ابواب کلاسیک، بلکه یک صورت‌بندی مسئله‌محور از همان منابع و قواعد فقهی است که مسائل مرتبط با امنیت را که در ابواب گوناگونی مانند جهاد و دفاع، دفع صائل، حدود و تعزیرات، قضا، احکام محارب و باغی، ضمان و دیات و نیز حوزه ولایت و سیاست شرعی پراکنده‌اند، با محور امنیت عمومی و خصوصی گردآوری و منسجم می‌کند. در این چارچوب، پرسش اصلی فقه امنیت این است که مکلف (فرد، گروه و در سطح کلان حاکمیت به‌عنوان نهاد تصمیم‌گیر) در مواجهه با تهدید و ناامنی، چه تکالیف و اختیاراتی دارد، حدود آن چیست و در تزاحم میان امنیت و سایر حقوق و مصالح،

چگونه باید با قواعدی مانند لاضرر، لاحرج، اهم و مهم، دفع افسد به فاسد و حفظ نظام به جمع‌بندی فقهی رسید.

٤-۲. موازنه قوا

موازنه قوا در ادبیات سیاسی-امنیتی به وضعیت نسبی توانمندی‌ها میان دو طرف تعارض گفته می‌شود؛ وضعیتی که در آن برتری‌ها و ضعف‌ها، اعم از توان نظامی و پدافندی، ظرفیت اطلاعاتی و فناورانه (از جمله توان سایبری)، قدرت اقتصادی و پشتیبانی، انسجام اجتماعی و مشروعیت و نیز عوامل زمانی ـ مکانی مانند سرعت واکنش و امکان غافلگیری، در مجموع تعیین می‌کند هر طرف تا چه اندازه قادر است اراده خود را تحمیل کند یا از تحمیل اراده طرف مقابل جلوگیری نماید. در چارچوب این مقاله، موازنه قوا به خودی خود عنوان فقهی مستقل و شرط شرعی مشروعیت محسوب نمی‌شود، بلکه داده‌ای واقعی برای تشخیص موضوع و ارزیابی عقلایی بودن اقدام دفاعی است؛ یعنی نبود توازن قدرت ممکن است، احتمال موفقیت را کاهش دهد و بر شیوه، سطح و مراتب دفاع اثر بگذارد، اما به تنهایی مشروعیت دفاع را نفی نمی‌کند. نقطه اتصال این مفهوم با بحث فقهی مقاله، نسبت آن با عنوان «تهلکه» است؛ عدم موازنه قوا صرفاً توصیف وضعیت قدرت است، در حالی که تهلکه وصف یک اقدام است، وقتی که عرفاً فاقد وجه عقلایی بوده و به نابودی غالبی یا قطعی بینجامد؛ بنابراین، برتری محسوس دشمن تنها می‌تواند یکی از قرائن در سنجش عقلایی بودن یا نبودن دفاع باشد، نه اینکه خودبه‌خود دفاع را تهلکه و نامشروع سازد. از این رو، کارکرد موازنه قوا در تحلیل فقه امنیت، بیشتر در تعیین میزان ضرورت، انتخاب کم‌هزینه‌ترین راه دفع، رعایت تناسب و سنجش امکان دفع تهدید یا کاهش خسارت ظهور می‌یابد، نه در تبدیل شدن به شرطی پیشینی برای اصل جواز یا وجوب دفاع، به‌ویژه در قلمرو دفاع و دفع صائل.

۵. بررسی ادله موازنه قوا

موازنه قوا از مفاهیم مهم و تأثیرگذار در مباحث فقهی و حقوقی مرتبط با روابط میان جوامع و حکومت‌ها به شمار می‌آید. این موضوع همواره در تحلیل شرایط

تصمیم‌گیری، نحوه مواجهه با تهدیدها و ارزیابی توانایی‌های طرفین مورد توجه اندیشمندان بوده است. بررسی ادله مربوط به موازنه قوا می‌تواند به روشن‌تر شدن مبانی نظری و قلمرو کاربرد این مفهوم کمک کند. از این رو، واکاوی مستندات و دیدگاه‌های مطرح‌شده در این زمینه، جایگاه آن را در استدلال‌های فقهی و حقوقی آشکارتر می‌سازد. در این نوشتار، تلاش می‌شود ادله مرتبط با موازنه قوا با نگاهی تحلیلی و منظم مورد بررسی قرار گیرد.

۵-۱. قرآن

یکی از مهم‌ترین ادله قرآنی که می‌توان در بحث مشروعیت دفاع در فرض فقدان موازنه قوا به آن استناد کرد، آیه ٦٥ سوره انفال است که خداوند متعال می‌فرمایند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ؛ ای پیامبر، مؤمنان را به قتال برانگیز؛ اگر از شما بیست تن شکیبا باشند، بر دویست تن غلبه می‌کنند و اگر از شما صد تن باشند، بر هزار تن از کافران غلبه خواهند کرد؛ زیرا آنان گروهی‌اند که درک و فهم ندارند».

آیه مورد بحث از جهات گوناگون در مسئله حاضر قابل استناد است و دلالت آن فراتر از تشویق اخلاقی به مقاومت بوده و ناظر به یک منطق فقهی در مواجهه با برتری عددی و ظاهری دشمن است. نخست باید توجه داشت که آیه در فضایی نازل شده که نسبت نابرابر قدرت را فرض گرفته و با تصویر بیست نفر در برابر دویست نفر و صد نفر در برابر هزار نفر، وضعیت فقدان موازنه ظاهری را ترسیم می‌کند؛ وضعیتی که در آن مؤمنان از حیث شمار در موضع ضعف و دشمن در موضع برتری قرار دارد. این نکته برای بحث حاضر اهمیت دارد؛ زیرا اگر چنین وضعی ذاتاً تهلکه تلقی می‌شد، مناسب آن بود که از ورود به آن نهی شود، نه آنکه پیامبر مأمور به تحریض بر قتال گردد. بنابراین، صدور فرمان تحریض در حالی که نسبت قوا نامتوازن است، نشان می‌دهد که عدم توازن قوا به خودی خود مانع مشروعیت اقدام دفاعی نیست. افزون بر آن، واژه «حَرِّض» به معنای برانگیختن و تقویت اراده است و ظهور در این دارد که اصل این اقدام مشروع و مطلوب شرعی است؛ زیرا تحریض به عملی که ذاتاً نامشروع

یا ملازم با تهلکه باشد با حکمت شارع سازگار نیست. آیه نمی‌گوید اگر ناچار شدید مقاومت کنید، بلکه فرمان به برانگیختن مؤمنان حتی در فرض برتری دشمن صادر می‌کند و همین نشان می‌دهد که از منظر قرآن، برتری کمّی دشمن اصل قتال را از مشروعیت خارج نمی‌کند و صرف فقدان موازنه قوا دلیل بر صدق تهلکه نیست. البته ممکن است گفته شود آیه صرفاً از امکان غلبه در شرایط خاص سخن می‌گوید، اما تعلیل و ساختار آیه نشان می‌دهد که کم بودن عدد مساوی با تهلکه نیست؛ زیرا تهلکه در جایی است که اقدام هیچ پشتوانه عقلایی نداشته باشد، حال آنکه آیه فرض می‌گیرد که گروه اندک می‌توانند بر گروه چند برابر غلبه کنند. این امر روشن می‌سازد که در محاسبه قرآنی، قدرت فقط به کمّیت تقلیل نمی‌یابد و عواملی چون ایمان، انگیزه، انسجام و فهم از حقیقت قتال نیز در محاسبه دخیل‌اند. از همین جا اهمیت «صبر» روشن می‌شود؛ زیرا قرآن شرط غلبه را صبر می‌داند و این صبر، عنصر واقعی قدرت است. بر این اساس، آیه نشان می‌دهد که موازنه قوا باید واقع‌بینانه و همه‌جانبه سنجیده شود، نه فقط بر پایه عدد. این منطق نسبت مستقیم با محل بحث دارد؛ زیرا در دفاع پیش‌دستانه نیز ممکن است دشمن از حیث ابزار برتر باشد، اما مدافع از حیث انگیزه، اشراف اطلاعاتی یا عنصر غافلگیری در موضع برتری عقلایی قرار گیرد و اقدام او موجه باشد. همچنین تعلیل آیه با تعبیر «بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» نشان می‌دهد که فهم، بصیرت و جهت‌گیری نیز در نتیجه نبرد نقش دارند و همین امر ثابت می‌کند که عدم موازنه ظاهری به‌تنهایی معیار قضاوت درباره مشروعیت یا عقلایی بودن اقدام نیست؛ زیرا قدرت واقعی آمیزه‌ای از عوامل مادی و معنوی است (طباطبایی، بی‌تا، ج۹، ص. ۱۲۲).

آیه بعدی نیز که نسبت را از یک به ده، به یک به دو کاهش می‌دهد، همچنان فرض نبود توازن کامل را حفظ کرده و از غلبه صد نفر بر دویست نفر سخن می‌گوید؛ بنابراین، چه این آیه ناسخ باشد (شیخ‌طوسی، بی‌تا، ج۵، ص. ۱٥٤؛ شوشتری، ۱۳۷۷، ج٦، ص. ١٦٥) و چه مخصص، در هر صورت اصل مشروعیت اقدام در فرض کمتر بودن نیروها از نظر قرآن محفوظ است و نمی‌توان صرف فقدان توازن را موجب سقوط مشروعیت دانست. نسبت این آیه با محل بحث مقاله در این است که آیه یک قاعده کلی ارائه می‌کند؛ فقدان موازنه قوا مانع مشروعیت اقدام دفاعی نیست و صرف برتری

دشمن مساوی با تهلکه نیست. وقتی این اصل در دفاع ثابت شد، در دفاع پیش‌دستانه نیز که در چارچوب منطق دفع صائل تحلیل می‌شود، جریان دارد. روشن است که دفاع پیش‌دستانه قیودی همچون ضرورت و تناسب دارد، اما استناد به آیه ٦٥ سوره انفال، برای اثبات این اصل است که عدم توازن قدرت به‌خودی خود تهلکه‌آور نیست. در مجموع می‌توان گفت آیه در فرض برتری آشکار دشمن نازل شده و با وجود آن پیامبر مأمور به تحریض بر قتال گردیده است؛ بنابراین، از منظر قرآن، صرف فقدان موازنه قوا مانع مشروعیت دفاع نیست. قید صبر و تعلیل آیه نشان می‌دهد که قدرت مفهومی فراتر از کمّیت است و تهلکه زمانی صادق است که هیچ وجه عقلایی برای اقدام وجود نداشته باشد. از این رو، آیه ٦٥ سوره انفال، یکی از مستندات مهم برای اثبات این نکته است که عدم موازنه قوا به‌تنهایی مانع مشروعیت دفاع، از جمله دفاع پیش‌دستانه نیست (مکارم‌شیرازی، ١٣٧٤، ج٧، ص. ٢٩٠).

٥-٢. سنت پیامبر(ص)

یکی از مهم‌ترین ادله بر مشروعیت دفاع پیش‌دستانه در فرض عدم موازنه قوا، سنت قطعی پیامبر اکرم (ص) در جنگ‌ها و غزوات است (مظفر، بی‌تا، ج٢، ص. ٦٣). برخی پژوهشگران بر این باورند که ریشه‌های اصلی غزوات نبوی در یکی از عوامل زیر نهفته است: ١) پاسخ به تجاوزهای ناجوان‌مردانه مشرکان، مانند جنگ بدر، احد و خندق. ٢) تنبیه افراد ستمگر که مسلمانان و یا سپاه تبلیغی آنان را در بیابان‌ها و نقاط دور دست کشته و یا با شکستن میثاق خود، هستی اسلام را به خطر می‌انداختند. و نمونه این جنگ‌ها همان نبرد با طوایف سه‌گانه یهود و بنی لحیان است. ٣) خنثی ساختن جنب و جوش‌هایی که در میان قبایل در شرف تکوین بود و می‌خواستند با جمع کردن سرباز و سلاح، مقدمات حمله به مدینه را فراهم آورند (سبحانی، ١٣٨٥، ص. ٦٥١).

دلیل اخیر، بازخوانی همان راهبرد دفاع پیش‌دستانه است. تأمل در سیره نبوی نشان می‌دهد که مشروعیت اقدام دفاعی در منطق اسلام، مشروط به وقوع بالفعل تهاجم دشمن نیست، بلکه حصول اطمینان از تهدیدی جدی علیه امنیت یا موجودیت جامعه اسلامی مبتنی بر قرائن و شواهد متقن برای مشروعیت‌بخشی به اقدام پیش‌دستانه کفایت می‌کند؛ فارغ از آنکه میان طرفین، موازنه قوا برقرار باشد یا خیر. به دیگر سخن،

سیره عملی پیامبر (ص) گویای این است که ضعف توان نظامی، نافی حق دفاع نیست و جامعه اسلامی مجاز نیست، صرفاً به بهانه موازنه قوا، در برابر تهدید قریب‌الوقوع، به انفعال تن دهد.

در این میان، غزوه بدر از روشن‌ترین شواهد این مدعا به شمار می‌آید. در بدر، مسلمانان از نظر نفرات، تجهیزات و آمادگی نظامی در موقعیتی پایین‌تر از قریش قرار داشتند؛ سپاه اسلام حدود ۳۱۳ نفر بود، در حالی که مشرکان با نیرویی نزدیک به هزار نفر و با سازوبرگ جنگی بیشتر به میدان آمدند (طبری، ۱۳۸۷ق، ج۲، ص. ٤۳۷). با این حال، پیامبر اکرم (ص) در برابر تهدید قریش سیاست انفعال و عقب‌نشینی را برنگزید و مسلمانان را برای رویارویی آماده ساخت. این واقعه نشان می‌دهد که در نگاه نبوی، عدم توازن قوا به‌خودی‌خود موجب سقوط حق دفاع نمی‌شود، بلکه آنچه نقش اساسی دارد، ضرورت دفع خطر و حفظ کیان امت اسلامی است. بنابراین، اگر در شرایطی ترک اقدام موجب تقویت دشمن و افزایش تهدید علیه جامعه اسلامی شود، ضعف نسبی نمی‌تواند مانعی برای مشروعیت اقدام دفاعی باشد. نمونه‌ای دیگر از وضعیت عدم موازنه قوا را می‌توان در جنگ اُحد مشاهده کرد؛ جایی که شمار نیروهای مسلمانان در برابر سپاه قریش به‌مراتب کمتر بود. در آغاز، سپاه اسلام حدود هزار نفر بود. هنوز اندکی از ورود لشکر مسلمانان به اُحد نگذشته بود که عبدالله بن ابی، به سبب آنکه توصیه او را مبنی بر موضع‌گیری در مدینه نپذیرفته بودند، با گروهی دیگر پیامبر (ص) را ترک کرد و شمار مسلمانان از هزار تن به ۷۰۰ تن کاهش یافت (واقدی، ۱٤۰۹ق، ج۱، ص. ۲۱۹) در حالی که سپاه ابوسفیان حدود سه هزار نفر بود (واقدی، ۱٤۰۹ق، ج۱، ص. ۲۰٤). این وضعیت نشان‌دهنده برتری آشکار عددی دشمن در برابر مسلمانان است، با این حال، پیامبر اکرم (ص) از رویارویی با دشمن خودداری نکرد و سپاه اسلام وارد میدان نبرد شد. این واقعه نیز نشان می‌دهد که در منطق مواجهه و دفاع، صرف برتری عددی دشمن به معنای ترک اقدام یا صدق عنوان تهلکه نیست. از مهمترین غزوات پیامبر (ص) که موازنه قوا بین لشکر اسلام و لشکر کفر رعایت نشده بود، غزوه خندق است. تعداد مشرکان از تمامی قبایل (احزاب) در این جنگ به ده هزار نفر رسید (ابن‌سعد، ۱٤۰۵ق، ج۲، ص. ٦٦). در بعضی منابع، تعداد آنان (قریش، غطفان، سُلَیم، اَسد، اَشجع، قُرَیظه، نضیر و دیگر یهودیان) بیست و چهار هزار نفر ذکر

شده است (مسعودی، ۱۳۵۷ق، ص. ۲۱٦) این در حالی است که برخی تعداد مسلمانان را فقط سه هزار نفر ذکر کرده‌اند (ابن‌شهرآشوب، بی‌تا، ج۱، ص. ۱۷۰). یا جنگ‌هایی مثل موته که تعداد مسلمانان سه هزار نفر و حداقل عددی که از نفرات دشمن نوشته‌اند، یکصد و پنجاه هزار نفر بود، بلکه در جنگ‌هایی که بعد از پیامبر (ص) رخ داد این تفاوت به نحو حیرت‌انگیزی وجود داشت، مثلًا تعداد نفرات ارتش آزادی بخش اسلام را در جنگ با سپاه ساسانی پنجاه هزار نفر، در حالی که تعداد سپاهیان خسرو پرویز را پانصد هزار نفر نوشته‌اند. در واقعه «یَرْمُوک» که برخورد بزرگ ارتش اسلام با سپاهیان روم بود مورخان نقل کرده‌اند، لشگری را که «هرقل» گردآوری کرد، حدود دویست هزار نفر بود، ولی ارتش اسلام از بیست و چهار هزار نفر تجاوز نمی‌کرد و عجیب‌تر این که نوشته‌اند، تعداد نفراتی که از دشمن در این میدان به خاک افتادند، بالغ بر هفتاد هزار نفر می‌شد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷٤، ج۷، ص. ۲۹۱).

از مجموع این شواهد می‌توان نتیجه گرفت که ملاک مشروعیت دفاع در سیره نبوی، برابری قدرت نظامی نیست، بلکه دفع خطر واقعی و جلوگیری از استیلای دشمن است. اگر موازنه قوا شرط مشروعیت دفاع دانسته شود، نتیجه آن خواهد بود که جامعه اسلامی در بسیاری از موارد، ناچار شود تا هنگام غلبه قطعی دشمن و تحقق حمله بالفعل دست روی دست بگذارد و این امری است که نه با عقل و نه با سیره پیامبر اکرم (ص) سازگار است. سنت نبوی نشان می‌دهد که هرگاه امارات معتبر از تهدید دشمن وجود داشته باشد، اقدام پیش‌دستانه نه به معنای جنگ‌افروزی، بلکه به عنوان تدبیری دفاعی برای دفع خطر پیش از فعلیت یافتن آن، قابل توجیه و مشروع است.

بر این اساس، سنت قطعی پیامبر (ص) در غزواتی مانند بدر را باید یکی از مهم‌ترین ادله بر مشروعیت دفاع پیش‌دستانه در فرض عدم موازنه قوا دانست. این سنت به خوبی نشان می‌دهد که در اندیشه دفاعی اسلام، اصل بر حفظ امنیت جامعه اسلامی و دفع خطر قریب‌الوقوع است، نه انتظار منفعلانه تا زمانی که دشمن نخستین ضربه را وارد سازد. از این رو، هرگاه تهدیدی جدی، عقلایی و نزدیک وجود داشته باشد، فقدان موازنه قوا نه تنها مانع مشروعیت دفاع پیش‌دستانه نیست، بلکه چه‌بسا ضرورت آن را بیشتر نیز آشکار می‌سازد.

۵-۳. بنای عقلا

بنای عقلا یا سیره عقلایی (سبحانی، ۱٤۳۲ق، ج۳، ص. ۳۳۲) به معنای روش پایدار و فهم مشترک انسان‌های خردمند در اداره زندگی فردی و اجتماعی است؛ رفتاری که عقلای عالم، فارغ از دین و فرهنگ، در مواجهه با یک مسئله به طور مستمر آن را معقول می‌دانند و بر همان اساس عمل می‌کنند. در اصول فقه، بنای عقلا از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند کاشف از «امضای شارع» باشد؛ یعنی اگر روشی عقلایی در میان مردم رایج و متعارف باشد و شارع مقدس نسبت به آن نهی و ردع روشنی نکرده باشد، اصل بر این است که آن روش مورد پذیرش قرار گرفته و می‌توان در استنباط حکم به آن تکیه کرد (کاظمی، ۱٤۰٦ق، ج۳، ص. ۱۹۳). این مبنا در حوزه امنیت و دفاع نقش پررنگ‌تری می‌یابد؛ زیرا ماهیت تصمیم‌گیری دفاعی ذاتاً مبتنی بر پیش‌بینی، ارزیابی خطر و پیشگیری است و عقلای عالم در چنین اموری منتظر وقوع قطعی و بالفعل خطر نمی‌مانند.

براساس بنای عقلا، دفاع منحصر در پاسخ پس از ضربه اول نیست، بلکه مجموعه‌ای از اقدامات عقلایی را در بر می‌گیرد: نخست، رصد و آمادگی (کسب اطلاعات، سازماندهی و تقویت توان)، سپس بازدارندگی (ایجاد هزینه برای مهاجم و کاهش انگیزه حمله)، و در مرحله‌ای که تهدید جدی و نزدیک احراز می‌شود، اقدام پیشگیرانه برای خنثی‌سازی ظرفیت تهاجم. منطق این رفتار نیز روشن است؛ در بسیاری از موارد اگر جامعه یا دولت صبر کند تا حمله بالفعل واقع شود، خسارت‌ها جبران‌ناپذیر خواهد بود؛ از دست رفتن جان‌ها، فروپاشی امنیت عمومی، تخریب زیرساخت‌های حیاتی یا حتی سقوط توان تصمیم‌گیری و دفاع. بنابراین، عقلای عالم اقدام پیش‌دستانه را در فرض تحقق شرایط، نه یک تهاجم ابتدایی، بلکه بخشی از دفاع و تأمین امنیت می‌شمارند.

نکته مهم آن است که بنای عقلا صرف احتمال را کافی نمی‌داند؛ موضوع آن خوف عقلایی و تهدید معتبر است، یعنی وضعیتی که اگر بر انسان خردمند عرضه شود آن را جدی تلقی می‌کند. از نگاه عقلایی، احراز چنین تهدیدی معمولاً بر مجموعه‌ای از قرائن استوار است: توان واقعی دشمن برای اقدام، نشانه‌های قصد و نیت قابل استظهار، آماده‌سازی عملیاتی مانند تجمع نیرو یا استقرار در نقاط حساس، زمانمندی و نزدیک

بودن حمله، سابقه رفتاری دشمن در نقض عهد یا تجاوز و نیز ناکارآمدی یا فقدان راه‌های کم‌هزینه‌تر برای دفع خطر. به همین دلیل، دفاع پیش‌دستانه در منطق عقلایی یک مجوز بی‌ضابطه نیست، بلکه بر تشخیص کارشناسی و قرائن معتبر تکیه دارد. همچنین در سیره عقلایی دو قید اساسی وجود دارد که مرز دفاع را از تهاجم جدا می‌کند: ضرورت و تناسب. ضرورت، یعنی اقدام پیشگیرانه زمانی موجه است که راه دیگری برای دفع تهدید وجود نداشته باشد یا راه‌های کم‌هزینه‌تر مؤثر واقع نشود؛ و تناسب، یعنی اقدام باید فقط در حدی باشد که تهدید را دفع کند و از حدود لازم فراتر نرود. اگر این دو قید رعایت نشود، حتی در نگاه عقلایی نیز عمل از چارچوب دفاع خارج می‌شود و صورت تهاجمی پیدا می‌کند.

در نهایت، رابطه بنای عقلا با بحث عدم موازنه قوا روشن‌تر می‌شود؛ هرچه شکاف قدرت به سود دشمن بیشتر باشد، صبر تا زمان حمله بالفعل خطرناک‌تر و پرهزینه‌تر است؛ زیرا ضربه نخست طرف برتر می‌تواند تعیین‌کننده و نابودکننده باشد. از این رو، در شرایط عدم توازن، عقلای عالم معمولاً بیش از پیش به سمت پیشگیری متناسب می‌روند تا ابتکار عمل دشمن را کاهش دهند، زمان و امکان ضربه را از او بگیرند و خطر را پیش از فعلیت یافتن مهار کنند. بنابراین، بنای عقلا به عنوان یک دلیل لبّی اصولی می‌تواند پشتوانه این مدعا باشد که دفاع پیش‌دستانه با احراز تهدید جدی و نزدیک و با رعایت ضرورت و تناسب حتی در فرض فقدان موازنه قوا قابل توجیه و مشروع است و چون ردع شرعی روشنی از این روش عقلایی در دفع خطرهای بزرگ و قریب دیده نمی‌شود، اصل بر امضای آن و قابلیت استناد فقهی به آن خواهد بود.

٥-٤. قاعده لزوم دفع ضرر محتمل

قاعده «لزوم دفع ضرر محتمل» از قواعد مهم عقل عملی است؛ یعنی قواعدی که عقل در حوزه رفتار و تصمیم‌گیری انسان وضع می‌کند. براساس این قاعده، انسان موظف است، پیش از آنکه ضرری تحقق یابد، در صورت احتمال وقوع آن، اقدام به پیشگیری کند (برنجکار و نصرتیان‌اهور، ۱۳۹۳، ص. ۱۷). این احتمال اگر به حدّ ظنّ عقلایی برسد، عقل آن را همانند ضرر قطعی معتبر شمرده و ترک احتیاط در برابر آن را مذموم می‌داند. برخی اندیشمندان، حوزه کاربست این قاعده را مخصوص ضررهای اخروی

دانسته‌اند (مصطفوی، ۱٤۲۱ق، ج۱، ص. ۳۰٦)، اما بررسی آثار فقیهان نشان می‌دهد که آنان در موارد متعدد دنیایی نیز به همین قاعده استناد کرده‌اند. نمونه برجسته آن، ابن‌ادریس‌حلی است. او در بحث دفاع در برابر دزد مسلح و در مقام تبیین جواز اقدام دفاعی، به همین قاعده استناد کرده و می‌گوید هرگاه شخصی به قصد بردن مال مردم اقدام کند و سلاح بکشد ، چه در خشکی، چه در دریا، چه در شهر یا سفر، بر صاحب مال واجب است که برای دفاع از جان و مال خود اقدام کند. وی تصریح می‌کند که اگر در این اقدام، دزد کشته شود چیزی بر عهده مدافع نیست و اگر مدافع کشته شود، حکم شهید را دارد (ابن‌ادریس‌حلی، ۱٤۱۰ق، ج۲، ص. ۱۹). نکته مهم در کلام ابن‌ادریس آن است که وی ملاک دفاع را تحقق ضرر بالفعل نمی‌داند، بلکه وقوع ضرر محتمل با ظنّ عقلایی را کافی می‌شمارد. او می‌فرماید: اگر شخص گمان غالب دارد که می‌تواند خطر را دفع کند، باید دفاع کند، اما اگر گمان غالب به عجز یا نابودی خود دارد، بدون تردید نباید وارد اقدام شود؛ زیرا پرهیز از ضرر مظنون همانند پرهیز از ضرر معلوم واجب است (ابن‌ادریس‌حلی، ۱٤۱۰ق، ج۲، ص. ۱۹). از این بیان، چند نتیجه مهم به دست می‌آید: ۱) ابن‌ادریس ملاک اقدام را تحقق خطر نمی‌داند، بلکه احتمال عقلایی خطر را کافی می‌شمارد. پس در حوزه تکلیف، ضرر محتمل همان کارکرد ضرر محقق را دارد. ۲) این قاعده نشان می‌دهد که برای دفع ضرر محتمل، نیازی به موازنه کامل قوا نیست؛ زیرا اصل اقدام، مبتنی بر احتمال وقوع ضرر است، نه بر سنجش برتری یا برابری توان‌ها. ۳) تنها شرط دخیل در حکم، ظنّ غالب به امکان دفع ضرر است؛ یعنی اگر احتمال معقولی هست که اقدام پیشگیرانه مانع ضرر شود، تکلیف به اقدام ثابت می‌شود؛ اگرچه از حیث ظاهری، طرف مقابل از قدرت بیشتری برخوردار باشد. ٤) در صورت اطمینان به شکست کامل یا نابودی حتمی، حکم تغییر می‌کند و دیگر اقدام واجب نیست؛ زیرا در این فرض، اقدام نه دفع ضرر بلکه رفتن به سوی ضرری قطعی‌تر است. بنابراین، از مجموع سخنان ابن‌ادریس به روشنی استفاده می‌شود که لزوم موازنه قوا، شرط شرعی یا عقلی برای دفع ضرر احتمالی نیست، بلکه آنچه ملاک است، احتمال عقلایی تأثیر اقدام است. این تحلیل، قاعده دفع ضرر محتمل را به‌عنوان یکی از ادلّه بی‌نیازی از موازنه قوا در تصمیم‌گیری‌های دفاعی و پیشگیرانه تقویت می‌کند.

نتیجه‌گیری

برایند مباحث این پژوهش آن است که مشروعیت دفاع پیش‌دستانه در فرض عدم موازنه قوا را نمی‌توان صرفاً با تکیه بر الگوی سنتی وقوع حمله بالفعل سنجید، بلکه باید آن را در چارچوب مبانی عام فقه اسلامی، سیره نبوی و بنای عقلا ارزیابی کرد. بررسی سیره پیامبر اکرم (ص) در غزواتی چون بدر و تبوک نشان داد که در منطق دفاعی اسلام، عدم توازن نظامی به سود دشمن، به‌خودی خود موجب سقوط حق دفاع نمی‌شود، بلکه هرگاه تهدیدی واقعی، جدی و قریب‌الوقوع متوجه جامعه اسلامی باشد، اقدام برای دفع آن می‌تواند پیش از تحقق حمله دشمن نیز مشروع تلقی شود. در این چارچوب، معیار اصلی نه برابری قوای طرفین، بلکه حفظ جان، امنیت عمومی و صیانت از کیان جامعه اسلامی است.

از سوی دیگر، قواعد و مبانی فقهی همچون دفع ضرر محتمل، حفظ نفس، حفظ بیضه اسلام، نفی سبیل و نیز بنای عقلا، همگی مؤید آن‌اند که دفاع در اسلام صرفاً ماهیتی واکنشی و پسینی ندارد، بلکه در مواردی که قرائن معتبر از تهدید قریب‌الوقوع حکایت کند، می‌تواند خصلتی پیشگیرانه و پیش‌دستانه نیز پیدا کند. بنای عقلا به‌ویژه نشان می‌دهد که در همه نظام‌های عقلایی، انتظار تا تحقق ضربه نخست دشمن، در شرایطی که احتمال خطر جدی و خسارت غیرقابل جبران وجود دارد، رفتاری غیرمعقول تلقی می‌شود و پیشگیری متناسب بخشی از مفهوم دفاع به شمار می‌آید. از این حیث، عدم موازنه قوا نه‌تنها مانع مشروعیت دفاع پیش‌دستانه نیست، بلکه چه‌بسا ضرورت آن را در مواردی تشدید می‌کند؛ زیرا در چنین وضعیتی، تأخیر در اقدام ممکن است به از دست رفتن کامل امکان دفاع و تحمیل خسارت‌های جبران‌ناپذیر بینجامد.

با این همه، مشروعیت دفاع پیش‌دستانه در فقه اسلامی مطلق و بی‌قید نیست، بلکه مقید به شرایطی روشن و محدودکننده است. مهم‌ترین این شرایط، احراز تهدید واقعی و معتبر، قریب‌الوقوع بودن خطر، فقدان راهکارهای کم‌هزینه‌تر و کارآمدتر و رعایت اصل تناسب در اقدام دفاعی است. از این رو، هرگونه توسعه بی‌ضابطه در مفهوم دفاع پیش‌دستانه که آن را به مجوزی برای جنگ ابتدایی یا رفتارهای توسعه‌طلبانه تبدیل کند، با مبانی فقه اسلامی و سیره عقلا ناسازگار خواهد بود. در نتیجه، می‌توان گفت که از منظر فقه اسلامی، دفاع پیش‌دستانه در فرض عدم موازنه قوا، در صورتی که به‌عنوان

ابزاری ضروری و متناسب برای دفع تهدیدی جدی و نزدیک به کار گرفته شود، نه‌تنها قابل توجیه، بلکه در برخی شرایط می‌تواند ضرورتی عقلایی و شرعی برای حفظ جامعه اسلامی به شمار آید.

کتابنامه:

۱) *قرآن کریم*.

۲) ابن‌ادریس‌حلی، محمد (۱٤۱۰ق). *السرائر*. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.

۳) ابراهیم‌زاده، پوریا، ملکی زاده، امیرحسین (۱٤۰۰). جایگاه دفاع پیش‌دستانه از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر تبیین موانع حقوقی بین‌المللی اعمال آن جهت حفاظت از غیرنظامیان. *فصلنامه مطالعات بین المللی*، ۱۸(۷۲)، ۸۳-۱۰۰

٤) ابن‌سعد، محمد (۱٤۰٥ق). *الطبقات الکبری*. بیروت: دار صادر.

٥) ابن‌شهرآشوب، محمد بن علی (بی‌تا). *مناقب آل أبی طالب*. نجف أشرف: مکتبة حیدریة.

٦) آذرپی، بهمن (۱۳۸٥). جنگ‌های آینده. *فصلنامه علوم و فنون نظامی*، ۳(٥)، ۱۲٦-۱۱٤.

۷) برنجکار، رضا، نصرتیان اهور، مهدی (۱۳۹۳). کاربست عقل عملی در استنباط آموزه های کلامی با تکیه بر متون کلامی. *فصلنامه تحقیقات کلامی*، ۲(٥)، ۷-۲٤.

۸) پورشاسب، عبدالعلی، طالبیان، احمدرضا (۱۳۹٦). تهدیدات هوایی علیه سامانه‌های راداری قرارگاه پدافند هوایی قرارگاه خاتم الانبیاء ص آجا در جنگ‌های آینده. *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، ۱٥(٦۹)، ٥۷-۸۰.

۹) حقیقت‌پور، حسین (۱۳۹۹) دفاع مشروع بازدارنده از منظر حقوق بین‌الملل اسلامی. *فصلنامه فقه و اصول*، ٥۲(۱)، ۳٥-٥٦.

۱۰) حلی، حسن بن یوسف (۱٤۱۳ق). *قواعد الأحکام*. قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین.

۱۱) حلی، حسن بن یوسف (۱٤۱۹ق). *تذکرة الفقهاء*. قم: مؤسسة آل البیت علیهم السلام.

۱۲) خوئی، سید ابوالقاسم (بی‌تا). *منهاج الصالحین*. بی‌جا: مؤسسة الخوئی الإسلامیة.

۱۳) سبحانی، جعفر (۱۳۸٥). *فروغ ابدیت*. قم: بوستان کتاب.

۱٤) سبحانی، جعفر (۱٤۳۲ق). *المبسوط فی اصول الفقه*. قم: موسسه امام صادق علیه‌السلام.

۱۵) شوشتری، محمدتقی (۱۳۷۷). *النجعه فی شرح اللمعهٔ*. بی‌جا: کتابفروشی صدوق.
۱۶) شهیدثانی، زین الدین (بی‌تا). *مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسهٔ المعارف الاسلامیهٔ.
۱۷) شیخ‌طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: احیاء التراث العربی.
۱۸) طباطبایی، سید محمد حسین (بی‌تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: منشورات اسماعیلیان.
۱۹) طبری، ابن جریر (۱۳۸۷ق). *تاریخ الأمم و الملوک*. بیروت: دار التراث.
۲۰) عاملی، حسن بن زین الدین (بی‌تا). *معالم الدین وملاذ المجتهدین*. بی‌جا: مؤسسهٔ الفقه للطباعهٔ والنشر.
۲۱) علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹٤). ماهیت و چیستی شناسی «فقه امنیّت» و «فقه امنیّتی». *مجله حکومت اسلامی*، ۲۰(۷۸)، ۵-۲٦.
۲۲) عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹). *دانشنامه فقه سیاسی*. تهران: دانشگاه تهران.
۲۳) قاسمی‌بیورزنی، قاسم، آهنگران، محمدرسول، نقیبی، سیدابوالقاسم، محبی، محسن (۱٤۰۲). توسل به زور به منظور دفاع از خود در اسلام با نگاهی به دیدگاه امام خمینی (ره). *پژوهشنامه متین*، ۲۵(۹۸)، ۱۳۸-۱۰۹.
۲٤) قائم‌پناه، صمد (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مفهوم جنگ پیش‌دستانه در فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل. *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۵(٤)، ۱۷۱-۱۸۹.
۲۵) کاظمی، محمد علی (۱٤۰٦ق). *فوائد الأصول*. قم: مؤسسهٔ النشر الإسلامی.
۲٦) مسعودی، علی بن حسین (۱۳۵۷ق). *التنبیه والاشراف*. بی‌جا: المکتبه التاریخیه.
۲۷) مصطفوی، سیدکاظم (۱٤۲۱ق). *القواعد الفقهیهٔ*. قم: مؤسسهٔ النشر الإسلامی.
۲۸) مظفر، محمدرضا (بی‌تا). *اصول الفقه*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۹) مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۷٤). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰) نجفی، محمدحسن (۱۳٦۲). *جواهر الکلام*. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
۳۱) نظری‌پور، حمزه (۱٤۰٤). سنجش فقهی مشروعیت دفاع پیش‌دستانه «نمونه پژوهی: دفاع پیش‌دستانه ایران در برابر رژیم اسرائیل». *فصلنامه مطالعات دفاع مقدس*، ۱۱(٤)، ۱۲۸-۱۰۹.
۳۲) واقدی، محمد بن عمر (۱٤۰۹ق). *المغازی*. بیروت، مؤسسه اعلمی.

۳۳) هوشیاری، اکبر، رضائی، فردین (۱٤۰۵). مفهوم و جایگاه امنیت ملی در فقه سیاسی اسلام و زمینه‌های تطبیقی با حقوق بین‌الملل با بررسی دفاع پیش‌دستانه. *نشریه پژوهش‌های نوین در علوم انسانی و حقوق*، ۲(۳)، ۲۳٤-۲۱۲.

References:

1) *The Holy Qur'an* [In Arabic].
2) Abdennadher, I. (2024). *The legality of anticipatory self-defence under international law* (Master's thesis, LUISS University).
3) Alidoust, A. (2015). The nature and conceptual identity of "Fiqh of Security" and "Security-Oriented Fiqh." *Islamic Government, 20*(78), 5–26 [In Persian].
4) Amadi, E. I. (2023). Unilateral intervention and rights of self-defence: The role of United States of America in Iraq and Afghanistan. *Niger Delta Journal of Gender, Peace & Conflict Studies, 3*(4), 161–178.
5) Amili, H. ibn Zayn al-Din. (n.d.). *Ma'alem al-Din wa Malaz al-Mujtahidin*. Jurisprudence Institute for Printing and Publishing [In Arabic].
6) Amid Zanjani, A. A. (2010). *Encyclopedia of political jurisprudence*. University of Tehran [In Persian].
7) Arab Center for Research and Policy Studies. (2025). *Iran and the changing strategic landscape of the Middle East: 5th annual conference report*.
8) Azarpay, B. (2006). Future wars. *Military Sciences and Techniques Quarterly, 3*(5), 114–126 [In Persian].
9) Bar, S. (2012). *Deterrence theory in Arab and Muslim thought*. Hudson Institute Working Paper.
10) Borengkar, R., & Nosratian Ahoor, M. (2014). Application of practical reason in the inference of theological teachings based on theological texts. *Theological Research Quarterly, 2*(5), 7–24 [In Persian].
11) Ebrahimzadeh, P., & Malekizadeh, A. (2021). The position of preemptive defense from the perspective of international law, with emphasis on explaining the international legal obstacles to its application for the protection of civilians. *International Studies Quarterly, 18*(72), 83–100 [In Persian].
12) Ghaempanah, S. (2013). A comparative study of the concept of preemptive war in Islamic jurisprudence and international law. *Political and International Research Quarterly, 15*(4), 171–189 [In Persian].
13) Ghasemi Bevarzi, Q., Ahangaran, M. R., Naqibi, S. A., & Mohebi, M. (2023). Resorting to force for self-defense in Islam with a consideration of Imam Khomeini's perspective. *Matin Research Journal, 25*(98), 109–138 [In Persian].
14) Haghighatpour, H. (2020). Deterrent legitimate defense from the perspective of Islamic international law. *Fiqh and Usul Quarterly, 52*(1), 35–56 [In Persian].

15) Hamid, A. G. (2009). Islamic international law and the right of self-defense of states. *Journal of East Asia and International Law, 2*(1), 67–101.
16) Hilli, H. ibn Yusuf. (1993). *Qawaed al-Ahkam*. Islamic Publishing Institute affiliated with the Society of Seminary Teachers. [In Arabic].
17) Hilli, H. ibn Yusuf. (1999). *Tazkerat al-Foqaha*. Ahl al-Bayt Institute [In Arabic].
18) Hoshyari, A., & Rezaei, F. (2026). The concept and position of national security in Islamic political jurisprudence and comparative grounds with international law, with an examination of preemptive defense. *New Research in Humanities and Law, 2*(3), 212–234 [In Persian].
19) Ibn Idris Hilli, M. (1990). *Al-Saraer*. Islamic Publishing Institute affiliated with the Society of Seminary Teachers [In Arabic].
20) Ibn Sa'd, M. (1985). *Al-Tabaqat al-Kubra*. Dar Sader. [In Arabic].
21) Ibn Shahrashub, M. ibn Ali. (n.d.). *Manaqeb Al Abi Taleb*. Haidariyya Library [In Arabic].
22) Kazemi, M. A. (1986). *Fawaed al-Osul*. Islamic Publishing Institute [In Arabic].
23) Khoei, A. (n.d.). *Minhaj al-Salehin*. Al-Khoei Islamic Foundation [In Arabic].
24) Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemuneh*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah [In Persian].
25) Masudi, A. ibn al-Husayn. (1939). *Al-Tanbih wa al-Ishraf*. Historical Library [In Arabic].
26) Mozaffar, M. R. (n.d.). *Osul al-Fiqh*. Office of Islamic Propagation [In Arabic].
27) Mostafavi, S. K. (2000). *Al-Qawaed al-Fiqhiyyah*. Islamic Publishing Institute [In Arabic].
28) Naderi, A. (2026). Weapons of legal justification: The pretext of preemptive self-defence in the Israeli strikes against Iran. *International Law Review, 43*(81), 303–334.
29) Najafi, M. H. (1983). *Jawaher al-Kalam*. Dar Ihya al-Turath al-Arabi [In Arabic].
30) Nazari Pour, H. (2025). Jurisprudential assessment of the legitimacy of preemptive defense: A case study of Iran's preemptive defense against the Israeli regime. *Defense Studies Quarterly, 11*(4), 109–128 [In Persian].
31) Pourshasab, A., & Talebian, A. R. (2017). Aerial threats against the radar systems of the Air Defense Headquarters of Khatam al-Anbiya of the Iranian Army in future wars. *Strategic Defense Studies Quarterly, 15*(69), 57–80 [In Persian].
32) Rigstad, M. (2015). The ethics of preventive war (review). *Ethics & International Affairs*, *29*(3), 345–347.
33) Shahid Thani, Zayn al-Din. (n.d.). *Masalek al-Afham ila Tanqih Sharae al-Islam*. Islamic Studies Institute [In Arabic].

34) Shushtari, M. T. (1998). *Al-Naj'ah fi Sharh al-Lum'ah*. Seduq Bookstore [In Persian].
35) Sobhani, J. (2006). *Forugh Abadiyat*. Bustan-e Ketab [In Persian].
36) Sobhani, J. (2011). *Al-Mabsut fi Osul al-Fiqh*. Imam Sadiq Institute [In Arabic].
37) Tabari, Ibn Jarir. (1967). *Tarikh al-Umam wa al-Moluk*. Dar al-Turath [In Arabic].
38) Tabatabaei, S. M. H. (n.d.). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Esmaeilian Publications [In Arabic].
39) Tusi, M. ibn al-Hasan. (n.d.). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran*. Revival of Arab Heritage [In Arabic].
40) Waqidi, M. ibn Umar. (1989). *Al-Maghazi*. Al-Alami Institute [In Arabic].